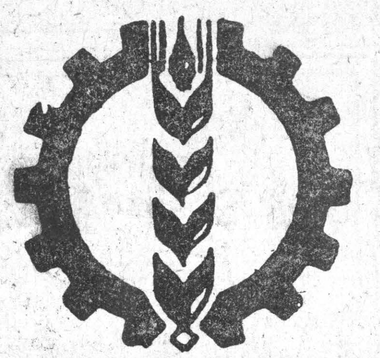


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

یکشنبه ۵ اسد ۱۳۶۵
July 27, 1986.
سال ششم شماره ۲۷۹
شماره مسلسل ۱۴۹۱
سال تاسیس ۱۳۵۹

ضرورت انتقاد به‌وسیله مردم

بر اساس احکام مصوبات پلینوم های اخیر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و دستور مشخص بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، مساعی در جهت تحقق وسیع و کامل اصل انتقاد و انتقاداز خود درون حزبی تشدید یافته است . درین رابطه ماطی ماه های اخیر فشردهٔ لکچر رفیق نجیب منشی‌عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، در سیستم آموزش اپارات کمیته مرکزی ، اسناد و بیانات دیگر مقامات رهبری حزب و هکذا تحلیلات نسبتاً زیادی را به نشر سپرده ایم.

به این سلسله خاطرنشان‌می کنیم که اصل انتقاد ، صرفاً به سازمانها و اعضای‌حزب ما بمثابه حق ووظیفه آنها ، منحصر نیست ،مخصوصاً در شرایط امروز جامعه ماکه مسوولیت رهبری‌دولت، سازمانهای اجتماعی و سمتدهی تمام جامعه راحزب‌ما به اتکای توده های مردم بدوش دارد و نظام انقلابی باضوابط و قوانین مترقی حاکم است ، انتقاد سالم و سازنده‌از طرف مردم غیر حزبی ، مانند انتقاد و انتقاد از خود در داخل حزب ، برای ما چون آب وهوا ضرورت است .

اهمیت بزرگ این موضوع‌را محضاً با یک محاسبه ساده هم میتوان دریافت ، اگر اپارات و اعضای حزب با هزاران چشم بر جریانات وپدیده ها می نگرند ، مردم غیر حزبی با میلیونها چشم‌آنها را می بینند . درست بهمین علت هم هست که درنظام های که بوسیله احزاب انقلابی مترقی‌رهبری‌میشوند، فقط به کنترول حزبی- دولتی وبطور کلی به « کنترول از بالا» اکتفاء نمیشود بلکه بر کنترول مردمی یا « نظارت‌ازپایین» آنهم نه بشکل پراگنده و تصادفی بلکه‌بمثابه یک سیستم‌کامل اتکاء صورت میگیرد .

حاکمیت انقلابی درج.د.ا، نیز در جهتی تکامل میکندکه در آینده بر کلیه ادارات وموسسات ، کنترول مردمی یعنی کنترول کارگران ،دهقانان و سایر زحمتکشان را بر قرار خواهد کرد.

ولی تا هنگامیکه مابه این‌مرحله بسیار مهم از لحاظ تکامل نظام نوین یعنی ایجادکمیته های کنترول مردمی در ادارات و موسسات و ایجادسیستم سراسری کنترول مردمی در کشور واصل‌میگردیم ، نیز تحقق کنترول مردمی برامور هم ممکن استوهم اکیداً لازمی .

در حال حاضر دربسیاری‌از مناطق کشور یکی از راه ها ووسایل اساسی کنترول‌مردمی که همانا جرگه های منتخب مردم ونماینده گان‌آنهاست، بوجود آمده و اینها باید نقش خود را هر چه‌فعالانه‌تر دریابند وایفاءکنند،

تحقق کنترول مردمی چه‌از طریق شوراها ونماینده‌گان انتخابی وچه ازطرق دگر ،همیشه به برخورد انتقادی و دریک کلمه به انتقاد محتاج‌است .

انتقاد یعنی تحقیق و بررسی اجراآت وعملکرد ادارات وموسسات ، هر کدام ازواحدها ، مسوولین وکارمندان آنها ، تشخیص دقیق نقاط‌قوت وضعف ، علل و انگیزه های هر کدام و بالاخره‌یافتن و خاطر نشان کردن طرق واسباب‌رفع نواقص و کمبودیها ودر بعضی حالات افشای متخلفین،خرابکاران و خائنین .

اینگونه انتقاد را که بدون‌شک مشخص، مطلوب وسازنده است، همه و مخصوصاًآنانی میتوانند و باید‌انجام دهند که بر زمینه ها وجریانات موضوع مورد انتقاد وارد هستند ، بعباره‌دیگر حاضر در صحنه وناظر بر امور اند .

ولی اینگونه انتقاد را درکجا و باکی باید مطرح‌کرد؟ معمولا خود انتقاد کننده‌پاسخ این‌پرسش رامیداند . معهذا باید گفت که طرح‌این انتقاد ها در جائیکه کدام تصمیمی نمیتواند‌اتخاذشود، اگر زیان بخش‌نباشد مفید هم نیست . باید درامرانتقاد بسیار جدی و دارای احساس عالی‌مسوولیت بود. پاره‌یی‌ازانتقادها را میتوان مخصوصاً در نشست های‌جمعی همان اداره و موسسه که هدف انتقاد است، مطرح‌کرد ولی پاره یی را باید مستقیماً و در عین حال بدون‌فوت وقت بامراجع کنترول حزبی، دولتی ونیز بامقامات‌مسوول بالا تر به شمول مقامات عالی حزبی‌ودولتی‌در میان گذاشت .

برای ایفای این حق ووجیبه وطنپرستانه، انقلابی و دلسوزانه جز قرارنگرفتن‌تحت تاثیر ذهنیت های بی اساس ،عناد های شخصی،گروهی، سمتی ، قومی و نیات سوء دیگر، هیچ مانع‌و محدودیتی وجود ندارد .

با ابراز سپاس باید یادآور شد که بسیاری از هموطنان ما در گذشته نیزباپدیده ها و جریانات امور کشور بر خورد انتقادی‌دلسوزانه و سازنده داشته و از انتقادات آنهاکه منجمله‌از طریق جبهه ملی پدر وطن و مطبوعات مرکزی ابرازشده است ، حزب و حاکمیت انقلابی در جهت بهبود امورو رفع نواقص استفاده‌شایانی نموده اند ، ولی مصالح‌حال‌و آینده وطن، انقلاب و امر ساختمان جامعه عادلانه نوین‌گسترش و تعمیق باز هم بیشتر و بهتر این گونه‌همکاری ها را می طلبد .

مبارزه با بیسوادی را تا دور ترین روستاهای کشور توسعه دهیم !



پروسه‌سوادآموزی‌درسرتاسر کشورروزتاروز گسترش می‌یابد. آنعده ازهموطنان ما که تاهنوز از نعمت سواد محروم‌اند داوطلبانه شامل کورسهای‌سوادآموزی‌میشوند. درعکس‌ازچپ براست:کریمه، نورانی ، گل جان، ملالی کارگران زحمتکش فابریکه نساجی بگرامی‌که در کورس سواد آموزی این فابریکه تنظیم‌اند. عکاسی‌شیرشاه

جرگه های منتخب مردم درقریه ها ایجاد میشود

گزارش خبرنگار اختصاصی ح.ا.ث ، از ولایت غور

بسوی قریه کندیوال که‌در پانزده کیلو متری شهر چغچران مرکز ولایت غور قرار دارد ره میکشایم،قبل‌از آن‌که وارد این دهکده حماسه آفرین شویم ، مطالبی چند پیرامون شهامت و پایمردی این روستائیان غیور از سایر غوریان شنیده بودم ، باگذشت از هر خم و پیچ تپه های خشک و بیگیاه که پی هم در مسیر راه مان قرار میگیرد علاقمندی ام به صحبت آنان بیشتر میگردد.

باپشت‌سر گذاشتن‌دشت های خاره وتپه های خاکی اولین کلبه های مو قر گلی‌بر فراز تپه های که بردامان آنها مزارع سر سبز و کوچک دهقانان قرار داشت،درمقابلم نمایان گردید. در نخستین نگاه ها سنگر های مستحکم ومطمین‌که‌بربلندی هاکه‌دهکده را در حصار دارند ورو- ستائیان سلاح بر دوش بر سنگر هامارا به خود متوجه میکرد .

نوای موزیک میهنی در دل قریه‌طنین افگنده وپژواک‌آن‌تا قلعه های فیروز کوه اوج گر- فته و بر دل دشمنان مردم که‌در مغاره های کوه‌ها چون خفاشان گریزان از روشنائی لانه گزیده اند دلهره‌و هراس می افگند .

اهالی زحمتکش قریه های همجوار ، با سرور و شادمانی جوخه ، جوخه راهی حوزه انتخاباتی قریه کندیوال هستند تا در تفاهم با هم نماینده گان مشترکشان رادر جرگه شورای نماینده گان

(ص۲)

ادامهٔ انتخابات

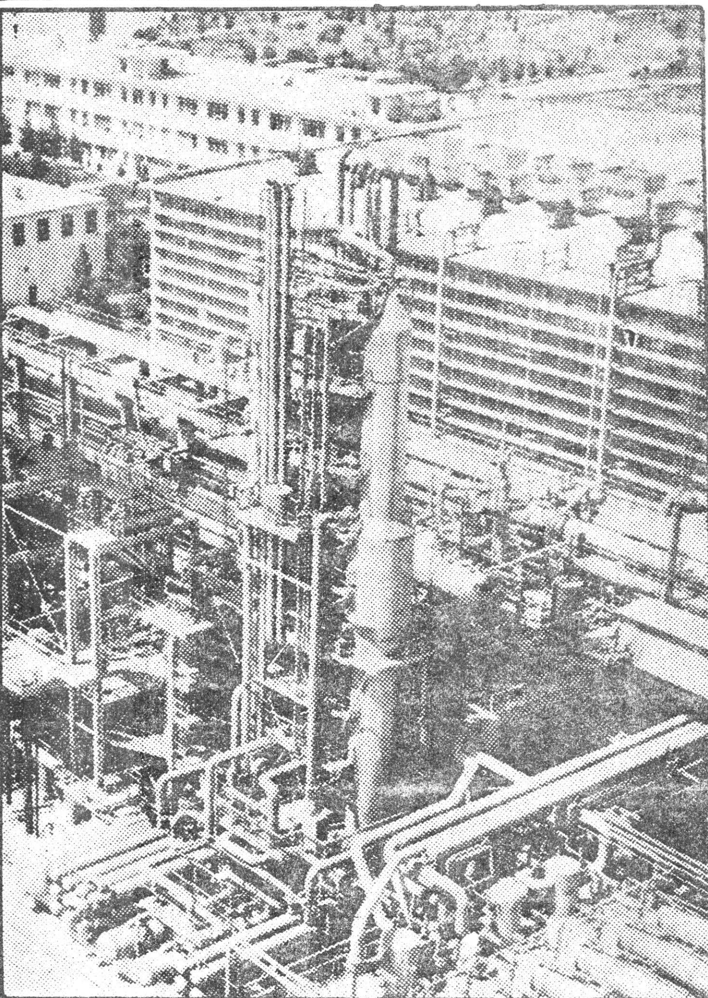
ارزگان

بتأسی از فرمان هیات رئیسه‌شورای انقلابی‌جمهوری دموکراتیک افغانستان و ابلاغیه کمیسیون انتخابات ولایت‌ارزگان انتخابات‌نماینده- گان مردم در جرگه های محلی قدرت و اداره دولتی دیروز دراوج احساسات وطنپرستانه مردم آنولایت آغاز گردید .

بادغیس

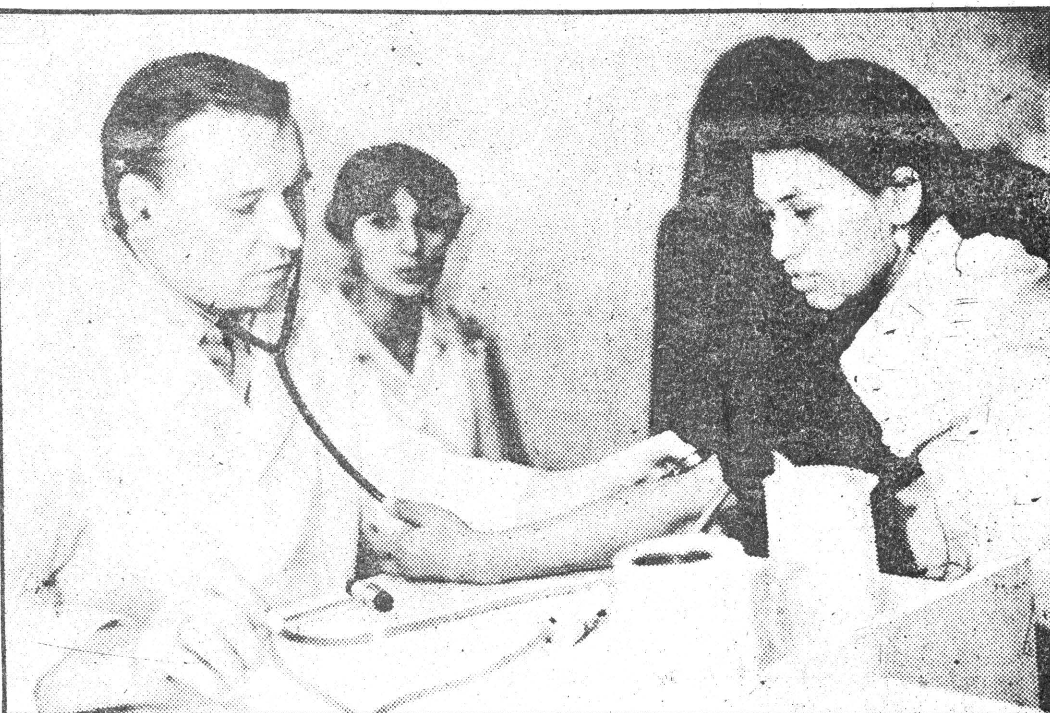
انتخابات نماینده‌گان مردم در ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی در مربوطات ولایت بادغیس ادامه دارد. مردم زحمتکش قریه های زاکپالی، عمر بیگ ها، حاجی محمد علی ،ارباب علی، اسلطان‌ها، خلیفه‌حیات، جمرود،

(ص۲)



دوستی افغان‌شوروی، ثروت‌ملی‌ما

این‌دوستی‌بی‌شایبه، خدشه ناپذیرثروت ملی ما میباشد. این دوستی وبرادری از آزمون بدرشده را مردم نجیب و قدر شناس افغانستان همیشه گرامی داشته‌وگرامی‌میدارند.
درعکس : دوکتور لیانوبیت‌حین معاینه یکتن از هموطنان مادرپولی کلینیک‌مرکزی‌دولتی. عکس ها از هاشم وابوی



اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

● کیم‌دی جونگ رهبربرجسته حزب مخالف رژیم جنوب کوریا روز جمعه‌در منزلش برای سومین بار در جریان هفته گذشته تحت‌نظارت گرفته شد .

● اعتصاب اعتراض آمیزعلیه ملاقات ملک حسن دوم پادشاه المغرب وصدراعظم‌اسرائیل پریروز در لبنان صورت گرفت .

دراین اعتصاب مکاتب، مغازه ها، سینماها، بانک‌ها، دوایر رسمی در تمام‌شهرهای قریه‌های لبنان‌به استثنی مناطق عیسوی نشین وجنوب‌لبنان که تحت اشغال اسرائیل است، مسدود گردید . باختر

بازدید از ولادی وستوک

رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی دیروز در پای بنای یادگاری ولادیمیر ایلیچ‌لنین‌درشهرولادی‌وستوک اکلیل گل گذاشت.

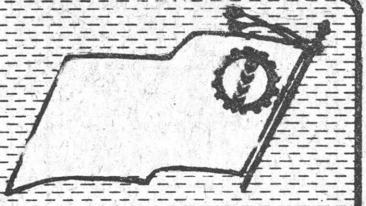
رهبر اتحاد شوروی‌پریروز وارد آن شهر شده است .

شهر ولادی وستوک که تهداب آن یکصدو بیست‌وپنج سال قبل گذاشته‌شده‌به یک مرکز عمده صنعتی وفرهنگی شوروی در شرق اتحاد شوروی مبدل گشته است .

طبق یک خبر دیگر رفیق میخائیل گرباچف دیروز از نمایشگاهی دیدن کرد که تاریخ ووضع کنونی و نیز دورنماها برای انکشاف بعدی آن‌شهر رابازتاب میدهد.

رهبر شوروی در این نمایشگاه با تماشاچیان به شمول ملاحین ، کارگران‌ساختمانی وماهیگیران‌ملاقات‌نمود باختر

همه‌چیز بخاطر پیروزی نهایی علیه ضدانقلاب!



فیصله های پلینوم ۱۹ - برنامه رزمی حزب

با تعهدات مشخص

رفیق سید توکل شاه کارگر پیشتاز شعبه پرکاری موبل وفرنیچر تصدی افغان ترکانی:

پلینوم نزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که چندی قبل دایر گردید، یکبار دیگر در برابر هر عضو حزب و همه وطنپرستان کشور وظایف تأخیرناپذیر را قرار داده واعضای حزب را موظف ساخت تا به صورت مشخص با ارتقای کارائی، سطح حصول مطالبات، بازسازی کار در همه عرصه ها در اجرای وظایف مطروحه بصورت پیگیر و مداوم عمل نمایند.

کمیته حزبی ما جهت توضیح و تشریح اسناد پلینوم نزدهم جلسه وسیع با اشتراك همه کارمندان و کارگران کلکتیف را دایرنمود توضیحات لازم ارائه گردید و کارگران به وظایفی که پلینوم در برابر آنها قرار داده است آشنا ساخته شد.

شرکت کنندگان جلسه با درك مسوولیت خویش در قبال وطن و مردم، تمام زمینه ها و امکانات موجوددر کلکتیف را مورد ارزیابی قرار داده، به منظور تحقق مطالبات و تحقق پلان پنجساله رشد اجتماعی ـ اقتصادی کشور شامل پلان سالجاری موسسه، تعهدات مشخص را بعهده گرفتند.

* درین جلسه ما همه کارگران کلکتیف با سپردن تعهدات جمعی و انفرادی در رابطه با ارتقای سطح تولید، صرفه جوئی از مواد خام، امحای بیسوادی، ارتقاء وبهبود سایر عرصه های کار، تصمیم گرفتیم تامتحدانه فیصله های پلینوم را درعمل پیاده نماییم.

شاه رسول

تدویر پلینوم

دهمین پلینوم کمیته حزبی ولایتی بادغیس در رابطه بوظایف تأخیر ناپذیر کمیته ها و سازمانهای اولیه حزبی و اجتماعی دیروز در شهر قلعه نو دایر گردید.

ابتدا ویس محمد دهمل معاون منشی کمیته حزبی ولایتی بادغیس بیانیهٔ اساسی راقرائت

بعداً هفت تن از اشتراك کنندگان با ابراز نظر از بیانیه اساسی تایید نموده آمادگی شانرا در تحقق فیصله های پلینوم های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخصوص پلینوم نزدهم کمیته مرکزی اظهار کردند.

کار پلینوم را رفیق قادر میاخیل آمرزون شمال غرب ارزیابی نمود.

باختر

متخلفین مجازات می شوند

در کمیسیونهای کنترول حزبی

برخورد نوین رعایت بلااستثنا قانونیت انقلابی، تطابق گفتار با کردار، عمل مشخص و تسریع در همه امور را از کمیته ها و سازمانهای حزبی می طلبد.

دراین میان وظایف جدی را اساسنامه حزب ما در برابر کمیسیونهای کنترول حزبی قرار داده است کمیسیون های کنترول حزبی کنترول و بازرسی همیشگی از فعالیت وعملکرد هرکمیته حزبی، ارگان دولتی و هر عضو حزب را به صورت مداوم تعمیل می نمایند.

چنانچه بنا بر پیشنهاد کمیسیون کنترول حزبی ناحیه دوم حزبی بیروی اجرائیوی کمیته حزبی آن ناحیه در جلسه مورخ ۲۹ر۴ر۱۳۶۵ خویش بعد از غور وبررسی دوسیهٔ نسبتی سید مقصود سرشناس مدیر لیسه انصاری را به خاطر تخلفات صریح اش از موازین حزبی، سوء استفاده از موقف حزبی و دولتی، جعل کاری در اسناد رسمی دولتی، عدول از موازین اخلاقی و برخورد خشن و ناسالم با معلمین ومتعلمین لیسه، مورد بحث قرار داده پیشنهاد کمیسیون کنترول را مطابق ماده ۴۸ـ اساسنامهٔ ح.د.خ.ا. مبنی بر اخراج وی از عضویت حزب، سبکدوشی اش از وظیفه دولتی وسوق به خدمت عسکری تائید نموده و تصویب بعمل آورد تا به منظور تعقیب جزائی سایر افراد ذیدخل که خارج از ساحه ناحیه دوم قرار دارند، از کمیتهٔ حزبی شهر کابل تقاضا گردد تا اقدامات لازم را مرعی دارند.

یك منبع کمیته حزبی ناحیه دوم درین رابطه گفت: که سید مقصود سرشناس به جرایم مختلف منجمله ضعف اخلاقی، محفل بازی، گرفتن کارت نظامی برای برخی از متعلمین بصورت غیر قانونی و سایر موارد مطابق اساسنامه حزب مجازات گردیده است.

لازم به تذکر است که معلمین و متعلمین لیسه انصاری طی یاد داشت های جداگانه از این تصمیم کمیته حزبی ناحیه دوم و برخورد قاطع و اصولی آن نسبت به چنین افراد که با اعمال ضد حزبی و دولتی خویش نام مقدس عضو حزب را لکه دار میسازد، اظهار رضایتمندی و پشتیبانی نموده اند.

برهان

ابراز پشتیبانی

موسفیدان، علما، روحانیون و بزرگان اقوام وملیتهای مختلف قریه های مربوط علاقه داری استالف ولایت کابل پریروز در جرگه قومی که به منظور حمایت وپشتیبانی از فیصله های پلینوم نزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر شده بود اظهار کردند.

جرگه با تلاوت چند آیت از قران عظیم الشان آغاز یافته وبعداً رفیق فضل احمد طغیان رئیس کمیته اجرائیه شورای نمایندگان مردم ولایت کابل پیرامون اهمیت فیصله های پلینوم نزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان صحبت کرد.

باختر

بهبود مسابقات کار

رفیق نجیب منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. در بیانیهٔ اساسی پلینوم نزدهم کمیته مرکزی حزب ضمن فورمولبندی زمینه های ارتقای نقش اتحادیه های صنفی در رابطه به رشد اقتصادی متذکر گردیده اند: ((... مسابقات کار را براه انداخته وتعداد بریگاد های ضربتی کار رابه خاطر تطبیق اولین پلان پنجساله افزایش دهند ...))

مسابقات کار میان فابریکه ها و شاپ های تولیدی مربوط به بخش دولتی در عرصه های صنایع، ساختمان و ترانسپورت بر بنیاد فراهم آوری زمینه های مادی و سازمانی، پس از انقلاب شکوهمند ثور به راه انداخته شد.

تعداد موسسات وعده یی کارگرانیکه در این پروسه تاکنون شرکت ورزیده اند بطور روز افزون سیر ارتقائی داشته است. بطور مثال در سال ۱۳۶۳ به تعداد ۱۷۵ موسسه، ولی درسال ۱۳۶۴ به تعداد ۱۹۰ موسسه در مسابقات کار شرکت نموده بودند که در برگیرنده ۶۰ـ هزار کارگر است.

حقایق فوق در پروسه مسابقات کار از فوق العاده گی خاصی بر خوردار است. زیرا این حقایق بیانگر درك و آگاهی کارگران ازروابط آنها باوسایل تولید ناشی می گردد. ولی آیا سرعت و آهنگ پیوستن موسسات و کارگران به پروسه مسابقات کار میتوانند قناعت بخش باشد؟ پاسخ روشن است. نه. آیا عوامل منفی موجود در پروسه مسابقات کار در موسسات شامل مسابقه که ازکارایی وثمر بخشی این شیوهٔ مطلوب وموثر ارتقای سطح سازماندهی مسابقات کار میکاهد، نمیتوانند رفع گردد؟ بدون شك که میتوانند.

پس نکته اساسی ضعف درکجاست؟ درعملکرد وشیوه عملکرد

در زمینه عملکرد اگر تا حدودی وضع مغلق وپیچیده نظامی، سیاسی در کشور تاثیر منفی دارد، در حالیکه ازیکسو واقعیت ها و نمونه های زنده وجود دارد، که دربرخی مناطق باوجود موجودیت وضع نظامی ـ سیاسی پیچیده، فعالیت های اقتصادی ومسابقات کار با شورانقلابی انجام می یابد.

ارقام مسابقات کار در سال ۱۳۶۴ بطور ضمنی بیانگر آنست که در ۳۴۹ موسسه کارگران با تشکل خویش در پوسته های امنیتی از امنیت موسسات وواحد های تولیدی خویش دفاع و حراست مینمایند.ولی تعداد موسسات تولیدی شرکت کننده در پروسه مسابقات کار به ۱۹۰ واحد میرسد

از ارقام فوق چگونه میتوان نتیجه گیری نمود؟ فقط همان یك نتیجه که ضعف و سهل انگاری در امر سازماندهی مسابقات کار در واحد های تولیدی وجود دارد.

طوریکه و.ای. لنین رهبر پرولتاریای جهان می آموزد، شیوه موثر عملکرد درزمینه سازماندهی مسابقات کار عبارت از سازماندهی مسابقه از پایین است نه سازماندهی به شیوه های فرماندهی و دستور العمل ها واز بالا.

برای این منظور به همانسانکه و.ای. لنین میآموزد، قرایح و استعداد های فراوان دست نخورده سازماندهی در میان توده های مردم وجود دارد. این نیرو سرشار و پایان ناپذیر است.

باید این نیرو ها را درهر یك از موسسات و بخش ها تشخیص نمود و انگیزه های تحرك و فعالیت آنها را فراهم نمود.

از لحاظ پهنای مسابقات کار نه تنها مسابقه باید در همه موسسات و واحدهای تولیدی که هم اکنون شامل مسابقه اند، توسعه یابد، بلکه باید در برگیرنده عرصه ها و بخش های هم گردد که تاکنون به جانب این شیوه کار و فعالیت ثمر بخش و فعال پانگذاشته اند.

مانند بخش بانکی، کوپراتیف ها و سایر موسسات ...

در امر مسابقه صرفاً ارتقای سطح تولید وتلاش به این منظور کافی نیست. ارتقای سطح کیفیت محصولات مساله ایست که باید موازی با ارتقای سطح کمیت تولیدات آنرادر نظر داشت.

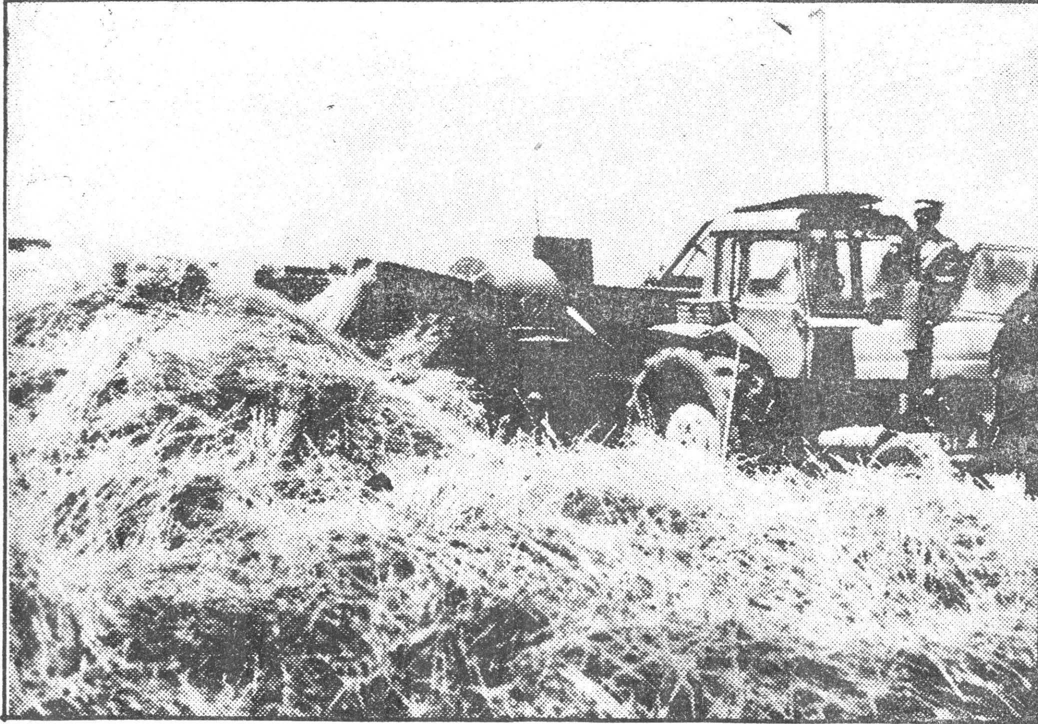
بر علاوه کنترول از جریان کار وتولید، صرفه جویی در منابع مواد خام و انرژی در مقیاس همه عرصه ها وبخش های تولیدی از جوانب دیگر مسابقات کار است.

در بیانیه اساسی پلینوم نزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. تذکر بعمل آمده است: ((... نقش پیشآهنگ سازمانهای حزبی را در تمام عرصه های دگرگونیهای اقتصادملی ارتقاء دهیم، باید اصول رهبری حزبی بر ساختمان اقتصادی نافذ گردد ... وحدت فعالیت سیاسی و اقتصادی تأمین گردد، کنترول حزبی از امور اقتصادی تحکیم یابد.))

سازمان های حزبی، اتحادیه های صنفی وسایر سازمانهای اجتماعی وظیفه یی نهایت بزرگ و حیاتی در رابطه به مسابقات کار به عهده دارند.

اعضای این سازمانها نه تنها باید سهمگیرندگان فعال و پر شور پروسه مسابقات کار باشند، بلکه باید عوامل منفی و مانع شونده در برابر پروسه مسابقات کار را تشخیص وراه ها وشیوه های رفع عوامل وموانع، را در موسسه خویش دریافته وباآن مبارزه نمایند تا باشد مسابقات کار در وطن ما در مقیاس عالی و در پهنای همه اقتصاد ملی کشور و در مقیاس همه توده های زحمتکش جامعه ترویج گردد.

محمدعمر



استیشن های میکانیزه زراعتی جهت کمك به دهقانان ماشین های مدرن زراعتی راکه باعث ایجادسهولت در کار میگردد بدسترس آنها می گذارد. در عکس: جریان دروددرقلعه کاشف کابل.

عکاسی هاشم نذیر

جرگه های منتخب مردم در قریه ها ایجاد می شود

(بقیه ص اول)

مردم قریه برگزینند. در میان انبوه جمعیت که راه حوزه های انتخاباتی را در پیش دارند و با شتاب گام بر میدارند محمد حسین قوماندان گروه مدافعین قریه کندیوال نیز دیده میشود او که سلاح بردوش دارد پیرامون اولین جشن انتخاباتی قریه شان میگوید:

((امروز برای اولین بار است که برای ما حق داده میشود تا نمایندگان خود را مطابق میل خود انتخاب و به ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی معرفی نماییم تا به خواست و مشکل اهالی قریه رسیدگی کنند.))

محفل انتخاباتی باتلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز گردید و وقتی بیوگرافی کاندیدان ازجانب هیات کمیسیون انتخاباتی قرائت گردید.

کاندیدان در معرض رای گیری قرار داده میشد دست ها از هر گوشه و کنار برسم تائید بلند میشد توام بابلند نمودن دست ها صدای «مبارك باشد» بگوش میرسید، حین انتخاب مردم با حلقه های گل و نثار گل برگ ها از نمایندگان شان استقبال مینمودند و نماینده های منتخب هر کدام به نوبه خود در برابر مردم برای اجرای وظایف خویش تعهد می سپردند. حاجی عبدالغفور یکتن از این نمایندگان منتخب در برابر حاضرین چنین تعهد سپرد: امروز با انتخاب شدنم بصفت نماینده مردم بار سنگین را بالای شانه های خود احساس میکنم. زیرا بخوبی میدانم که مشکلات ما مردم دور افتاده بی نهایت زیاداست و مشکل عمده اهالی قریه ما را کم آبی تشکیل میدهد که از ین بابت سالانه قسمت زیاد زمین های ما خاره باقیمانده کشت نمیگردد. دهقانهای قریه سالانه گندم موردنیاز خود را بدست آورده نمیتوانند. در حالیکه ما بحد کافی زمین های حاصل خیز ومنابع آب داریم هرگاه می توانستیم بندهای آب گردان درچشمه های آب اعمار کنیم، آب ذخیره شده تمام زمین های ما را آبیاری مینمود و حاصلات ما هم چند برابر ارتقاء می یافت. حالا که شما به من اعتماد نموده و مرا بصفت نماینده خودبرگزیده اید این را وظیفه ایمانی خود میدانم که همراه با سایر نماینده گان مشکلات تانراتاحد امکان به مساعدت ارگان های حزبی و دولتی حل نماییم کوپراتیف عبدالحکیم شهید را که به اشتراك ۱۶۱ نفر دهقان و سرمایه ...۲۱۶ افغانی ایجاد شده همچنان کوپراتیف زراعتی قریه را که هنوز صرف به نام درروی صفحه کاغذ وجود دارد بکمك شما و ارگان های حزبی و دولتی احیا نماییم که ازین طریق میشود از کمك های دولت در مواقع ضرورت استفاده درست صورت گیرد.))

رحیم داد یك تن از دهقانان شرکت کننده در حوزه انتخاباتی قریه کندیوال میگوید: انتخاب نمایندگان مردم در حوزه های انتخاباتی کندیوال و سرپل کاسی که مردم از قریه های اخته خانه، دهن اخته خانه، کاسی، شیخ ها و تاجك ها گردآمدند بتعداد شانزده نفر از نماینده های با صلاحیت شان را که در ترکیب آنها دهقانان علما، روحانیون، روشنفکران، کسبه کاران، و شخصیت های اجتماعی شامل میباشند در فضای کاملا آزاد ودموکراتیك بصفت نمایندگان با صلاحیت شان انتخاب نمودند. من متیقین هستم که این نماینده ها همه افراد با هوش، با تجربه و از همه مهمتر مانند خود مان مرد مان بی بضاعت هستند. مشکلات ما را بخوبی درك نموده و در تفاهم با ارگان های حزبی و دولتی در راه حل آن اقدام خواهند نمود.

عکس: جریان انتخابات نمایندگان مردم دریکی از حوزه های انتخاباتی ولایت غور.

عکس وگزارش ازکریم شریف



زابل

به تأسی از فرمان هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان کار انتخابات نمایندگان مردم در جرگه های محلی قدرت و ادارهٔ دولتی در شهر قلات بتاریخ سوم اسد آغاز یافت.

باشنده گان قریه های رساله تلب، یحیی خیل، هزاری شهر کهنه، شهر نو، کمپنی، گذر های هوا شناسی، حاجی سردار، مستوفیت و کوچه حمام در حوزه های انتخاباتی باشور وشعف زیاد حاضر شده در فضای آزاد، دموکراتیك یا رای گیری علنی به انتخاب چهل نماینده شان دردوحوزه انتخاباتی پرداختند. در کارانتخابات رفیق عبدالرشید آرین شرکت کرده و در مورد انتخابات سخنرانی کرد.

ببرك احساس

بادغیس

(بقیه ص اول)

نایب ها و حاجی قربان ولسوالی قادس آنولایت اخیراً شصت نماینده مورد اعتماد شانرا در هشت حوزه انتخاباتی با شور و شوق وطنپرستانه در فضای آزاد و دموکراتیك در جرگه های محلی قدرت و اداره دولتی انتخاب کردند.

متعاقباً نمایندگان منتخب قریه های متذکره اولین اجلاس شانرا دایر وطی آن روسا و منشی های شوراهای نمایندگان مردم آن قریه هارادر فضای آزاد و دموکراتیك انتخاب نموده و هم نمایندگان منتخب شانرا به شورای نمایندگان مردم ولسوالی قادس معرفی کردند.

قرار یك خبر دیگر جلسه شورای نمایندگان مردم ولسوالی قادس ولایت بادغیس اخیرا دایر گردید.

در جلسه عبدالکریم بحیث رئیس، عبدالروف به صفت منشی و سه تن دیگر از نمایندگان منتخب به صفت اعضای کمیته اجرائیه شورای نمایندگان مردم ولسوالی قادس انتخاب گردیده و ده تن از نمایندگان منتخب به شورای نمایندگان مردم ولایت بادغیس معرفی شدند.

همچنان در این جلسات پلانهای کار و پلان های تدابیری شوراهای متذکره الی جلسه بعدی نیز به تصویب رسیدند.

باختر

برخورد با مساله ملی در انقلاب افغانستان

سلیمان لایق عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، وزیر امور اقوام و قبایل و رئیس اکادمی علوم ج.د.ا.

تا اپریل ۱۹۷۸ جامعه سرمایه داری جهان کمترین معلومات را درباره کشور ما داشتند. علی الوصف اینکه افغانستان از لحاظ طبیعت کوهستانی واقلیم اعجاب انگیز خود ونیز به خاطر آثار گرانبهای تاریخی برای آدم های خسته وکار گریز دنیای سرمایه داری که به جهان گردی علاقمند استند، دیدنی های زیادی دارد لیکن بنابر اینکه سهم این کشور در تولید وتجارت جهانی اندک بوده وبنابر تسلط طولانی نظام سلطنتی مستبده که کشور را بنابر منافع آزمندانه طبقاتی خود از سهم گیری فعال درسیاست بین المللی دور نگهداشت معلومات جهان خصوصاً جامعه سوداگر غربی درباره کشور ما بسیار ناچیز بود.

من درسال ۱۹۶۳ به مدت تقریباً سه ماه درجاپان بودم. درآن سالها مردم عام جاپان افغانستان را نمی شناختند. درباره مشخصات سیاسی — اقتصادی و اجتماعی آن حتی اکثر روشنفکران کمتر معلومات نداشتند وچنین بود معلومات مردمان تمام کشورهای سرمایه داری در باره کشور ما.

قیام انقلابی اپریل ۱۹۷۸ که با اشتراک افسران انقلابی ومردم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید افغانستان را از انزوا وگمنامی شرم آور سابقه نجات داد و بساحه جوشان سیاست ملی و بین المللی وارد ساخت.

توده های زحمتکش از زنجیر رهیده در اداره کشوراشتراک کردند وگنگ های بیزبان قرون به سخن آمدند. زحمتکشان که باگوشت وپوست خود ستم استخوان سوز نظام سلطنت مستبدرا از موده بودند به حمایت همه جانبه از حزب دموکراتیک خلق افغانستان ـ حزب طبقه کارگر وکلیه زحمتکشان برخاستند، جامعه افغانی راچنان شور وهیجان فزاینده فراگرفت که سراسر کشور به عرصه جشن خلق های زحمتکش مبدل گردید. تاریخ افغانستان قبل برین هیچگاهی شاهد چنین بیداری وجوشش عظیم زحمتکشان نبوده است.

این هیجان نتیجه منطقی مبارزات یکنیم قرن اخیرمردم افغانستان بود که به خاطر دفاع استقلال، آزادی و حفظ حقوق خود دربرابر استعمار غارتگر برتانوی، امیران و فیودالان ستمگر داخلی انجام داده اند.

ازبیانیه ها، پیامها، ملاقات ها وده هاهزار نامه زحمتکشان وروشنفکران وطن پرست که به پیشواز پیروزی انقلاب به رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجمهوری دموکراتیک افغانستان ارائه کردند میتوان چنین نتیجه گرفت که انقلاب ثور انعکاس دهنده روشن نارضایتی های روز افزون وتاریخی نیروهای بزرگ اجتماعی (کارگران، دهقانان، روشنفکران بخش وطنپرست وترقی خواه قوای مسلح، روحانیون مترقی، اقوام وقبایل ودیگراقلیت های ملی) دربرابر سیاست های مستبد ارتجاعی رژیم ضد مردمی سابق بوده است. بربنیاد چنین خصوصیات عالی انقلاب، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بلافاصله به تطبیق برنامه قبلا تنظیم شده دموکراتیک وملی که پایه اجتماعی آنرا جبهه دموکراتیک ملی تشکیل میداد دست زد واهداف زیرین رامطرح کرد:

محو بقایای مناسبات فیودالی، ماقبل فیودالی، اجرای کامل اصلاحات دموکراتیک ارضی از طریق الغای زمینداری بزرگ فیودالی و توزیع زمین به دهقانان بی زمین وکم زمین وکارگران زراعتی، اعتلای سطح اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مادی وفرهنگی مردم، رشد فرهنگ ملی خلق های افغانستان ودموکراتیزه ساختن حیات سیاسی و اجتماعی.

امپریالیزم که محمد داود آخرین زمامدار دودمان سلطنتی محمدزایی را به تاسیس روابط خیلی نزدیک با انورالسادات ومحمد رضا پادشاه ایران وترک سیاست عنعنوی بیطرفی افغانستان کشانیده بود. باانقلاب ثور که رژیم جمهوری قلابی اورا در افغانستان سرنگون ساخته بود به مخاصمت برخاست. امپریالیست هادر راس امپریالیزم ایالات متحده امریکاکه تمام ساحه زمین راعرصه منافع ملی((!)) خود میشمارند انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان راکه بنا بر خصلت ضد امپریالیستی و ضد فیودالی خود برای رهایی کامل کشور ازیوغ استعمارگران ومستبدین ورفع عقب ماندگی های قرون به پاخاسته بود، چون سائرانقلاب های آزادی بخش در آسیا، افریقا وامریکای لاتین مخلوق کمونیزم بین المللی و اتحادشوروی خواندند. آنان بااستفاده از تجارب استعمار برتانوی انقلاب را تکفیر کردندوبه تحریک روحانیون و مسلمانان دین دوست کشور دست زدند. آنان درین بازی از مرتجعین حوزه پترودالر عربی وسیعاً استفاده کردندو رژیم نظامی پاکستان را به حیث اجراء کننده اصلی این ماجرا پیش کشیدند.

امپریالیزم همچنان از تضاد ها وکشمکش های میان ملیتها، اقوام و قبایل که از رژیم های مستبد فیودالی در طول تاریخ به میراث مانده بودند علیه انقلاب ثور استفاده بردند و به چنان توطئه های ترکیب شده از احساسات ناسیونالیزم ملیت هاوعواطف مذهبی عده یی از روحانیون دست یافتند که اسناد ی استعمارگران را دروپر انکاری کشور های از بند رسته ودشمنی باانسان آزادی خواه یکبار دیگر به اثبات رسانید.

امپریالیست ها از تمام اشتباهاتیکه لابد دراجرای ریفورم های انقلابی کشورها رخ میدهد ودر افغانستان نیز رخ داد استفاده سوء کردند. ازگاه کوه ساختند و نیزتوسط گماشتگان وجواسیس خودکه از ده ها سال در دستگاه دولت سلطنتی افغانستان جا بجا کرده بودند از سبوتاژ پروگرام های انقلابی بهره گرفتند. آنها دستگاه های وسیع تبلیغاتی رادر غرب به غرض آرایش کاذبانه حوادث افغانستان وپخش جعلیات دور از واقعیت به کاربستندو سعی کردند ذهنیت عامه جهان رادر باره انقلاب رهایی بخش افغانستان که قوت های جوان ترقی، دموکراسی، آزادی ملی واجتماعی را از قوت های فرسوده ستم ملی، جبر و استثمار آزادی بخشید، فریب دهند وان را ازهمدردی و همبستگی نیرو های دموکراتیک وانقلابی تجرید نمایند.

برای فهم درست پرو بلم های انقلاب افغانستان در زمینه های سوء استفاده امپریالیزم لازم است یک مرور کوتاهی برترکیب ملی ومذهبی مردم افغانستان صورت گیرد:

معلومات درین باره از رهنمود اتنوگرافی تحت عنوان (نفوس جهان) نشر کرده انستیتوت اتنوگرافی اکادمی علوم اتحاد شوروی منتشر ۱۹۸۱ صفحات ۳۷۶، ۳۸۳ ذیلا ارائه گردیده است.

گروپ آریایی

شماره	تعداد به هزار	فیصدی
۱ ـ پشتون ها	۸۰۰۰	۵۲ر۹
۲ ـ تاجك	۳۰۰۰	۱۹ر۸
۳ ـ هزاره		
۴ ـ چاراَیماق	۴۵۰	۳ر۰
۵ ـ فیروز کوهی	۱۱۰	۰ر۷
۶ ـ جمشیدی	۱۰۰	۰ر۷
۷ ـ کاکر تایمنی	۱۰۰	۰ر۷
۸ ـ هزاره قلعه نو	[illegible]	
۹ ـ تیموری	۹۰	۰ر۶
۱۰ ـ بلوچ	۱۳۰	۰ر۹
۱۱ ـ نورستانی	۱۲۰	۰ر۸
۱۲ ـ پامیری (هندارو پایی)	۱۰۰	۰ر۷
۱۳ ـ پارسی (پارسیان)	۴۰	۰ر۳
۱۴ ـ کرد	۱۰	۰ر۱
۱۵ ـ اورمری	۵	۰
۱۶ ـ پراچی	۵	۰
۱۷ ـ ازبك	۱۳۰۰	۸ر۶
۱۸ ـ ترکمن	۳۰۰	۲ر۰
۱۹ ـ افشار قزلباش	۳۰	۰ر۲
۲۰ ـ قرغز	۱۰	۰ر۱
۲۱ ـ قازاق	۵	۰ر۰

گروپ هند وایران

شماره	تعداد به هزار	فیصدی
۲۲ ـ پنجابی وسایرهندوها	۲۵	۷ر
۲۳ ـ پشه ای	۱۰۰	۰ر۷
۲۴ ـ تیرایی	۲۰	۰ر۱
۲۵ ـ خکان (چچگر)	۲۰	۰ر۱
۲۶ ـ جت	۱۰	۰ر۱
۲۷ ـ کوهستانی	۵	۰
۲۸ ـ براهویی	۴۰	۰ر۳
۲۹ ـ عرب	۳۰	۰ر۲
۳۰ ـ مغل	۲۰	۰ر۱
۳۱ ـ سایر مجموالهویگان	۳۳	۰ر۲
۳۲ ـ قره گلباك	۳۰۰۰	۰ر۲
۳۳ ـ ایغوروگو جوهویو	۲۰۰۰	
۳۴ ـ یهود	۱۰۰۰	حالامهاجراند
مجموعاً	۱۵۱ر۸	

تعداد عمومی نفوس: احصائیه دورنیمه سال ۱۹۷۸ ـ اخذ شد که از روی معلومات این احصائیه درجون ۱۹۷۹ نفوس ۱۵۵۴۰ تعیین شده است.

بیش از سه ملیون پشتون دربخش های شرقی وجنوب شرقی کشور، قسمت دوم آنان درمناطق گسترده جنوب دیگر آن در شمال، غرب وجنوب غرب درجوار ملیت های دیگرسکونت دارند. بخش اساسی تاجیك هادر شهرها، در شمال غرب کشور (درووادی هریرود ومرکز هرات) درشمال شرق کشور ونیز در دره ها ووادی های هندوکش (پنجشیر، اندراب، خوست وفرنگ، کوهستان ولایت کاپیسا وبخشی از ولایت پروان) سکونت پذیر میباشند.

ازبك ها، ترکمن ها، عرب ها وقرغز ها درشمال افغانستان زندگی مینمایند هزاره ها به صورت فشرده در کوهستانات مرکزی (غرجستان) ساکن می باشند وعده یی ازآنان درشمال وغرب کشور پراگنده شده اند نورستانی هادر جوار پشتون هادر شرق کشور در دره های هندوکش شرقی وبلوچهادر جنوب غرب کشور در مناطق سرحدی باپاکستان وایران سکونت دارند. اهالی کشور به بیشتر ازبیست زبان سخن میگویند. زبان پشتو برای بیش از نصف نفوس کشور حیثیت زبان مادری را دارد. تاجیك ها، هزاره ها، عرب ها، چار ایماق ها وبرخی ملیت های دیگر بزبان دری صحبت می کنند. تعداد گویندگان زبان دری درحدود (۷)ملیون است زبان های دیگربنا برعوامل تاریخی اجتماعی کمتر رشد یافته وتافبل ازانقلاب ازنعمت سواد محروم بودند. طبع کردن جراید باین زبان ها و استعمال آنان درامور رسمی رژیم منسوخ گذشته ممنوع قرار داده شده بود.

زبان دری بنابر غنای منابع علمی وادبی وبنابر سیطره آن در تاریخ گذشته منطقه وافغانستان وبه حیث زبان شهر نشینان واسباب عدیده دیگر، که تفصیل آن درین مختصر گنجایش ندارد، نفوذ خود را به حیث زبان اول درحیات اقتصادی و اجراآت رسمی دولتی حفظ کرده است.

بسیاری پشتون ها قبل از انقلاب باهمدردی نگران وضع تحقیر آمیز زبان پشتو در کشور بودند.

توجه ضعیف رژیم های سابق به تکامل فرهنگ ملی آنان وعقب ماندگی برخی مناطق عنعنوی پشتون های جنوب وجنوب شرق نسبت بمناطق رشد یافته شمال باعث تاثر آنان میگردید.

باوجود مقام معین ومشخص هر ملیت درتشکیل نفوس کشور آنها ازلحاظ سطح تکامل اجتماعی وفرهنگی از همدیگر متفاوت اند. مناسبات میان آنان که ازسیاست های ضد مردمی ((تفرقه بیانداز و حکومت کن)) رژیم های مستبد ساقط شده برای قدرت انقلابی به میراث مانده است، حل مسئله ملی رادر سطح معین مشکل میسازد.

برای فهمیدن درست سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان در حل مسله ملی که یکی ازوظایف مبرم وتاخیر ناپذیر انقلاب ملی ودموکراتیک ثور میباشد نظر مختصری به تاریخ ملی افغانستان می اندازیم. درسال ۱۷۴۷ امپراتوری درانی از تجمع ولایه های سلطنت ویران شده هوتکی وملوك الطوایفی پراگنده پشتون ها بوجود آمد. این دولت برای نخستین بارپشتون ها وملیت های دیگر افغانستان رامیان دریاهای سند وآمو دروطن واحدمتشکل ساخت. امپراطوری که در سیاست خویش متوجه تابع کردن خلقها وایجاد دولت متمرکز درافغانستان بود در راس برقدرت مسلح قبایل پشتون تکیه میکرد. در محدوده دولت افغانستان خلق هایی شامل گردیدند که از لحاظ سطح اتنیك باهم متفاوت بودند. عده یی از آنها ساختار قبایلی خویش راحفظ نمودند مثلاً: پشتون ها، بلوچها، ترکمن ها، هزاره ها وغیره، برخی ازآنان قبل برین به ملیت های کوچکی مبدل گردیده بودند. ازقبیل تاجك ها وازبك ها خصوصیات زندگی اجتماعی، سایکولوژیکی این خلق هابا هم شباهت نداشتند. درمیان آنها ساکنان کوهپایه ها و دشت ها، کوچی ها، ودهاتی هاوجود داشتند. تشکل مذهبی این خلق هانیز رنگارنگ بوده است. در پهلوی اکثریت اهل تسنن دین اسلام فرقه های شیعه و اسماعیلی مسلمان بخشی ازهندو ها، سك ها و یهودی هانیز وجود داشتند. علاوتاً وجود کوه های عظیم کشور رابه مناطق جدا ازهم وتجرید شده از یکدیگر تقسیم میکنند ومانع تماس دوامدار خلقها باهمدیگر میگردد.

در سده اخیر انتقال جمعی دهقانان بی زمین وکوچیان ازشرق وجنوب شرق کشور بسوی شمال سازمان داده شد. اهداف سیاسی قدرت مرکزی در سازماندهی اسکان آنان درشمال عبارت بوداز:

ـ استحکام پشتون هادر شمال که پایه قدرت دولتی راتشکیل مینمودند.

ـ پایین آوردن کمیت فشرده قبایل پشتون درمناطق عنعنوی که به خاطر امرارمعاش باعث قیام ها وعصیان ها علیه دولت مرکزی و جنگ های ذات البینی می گردیدند.

ـ جلوگیری ازتهاجمات قبایل بر پایگاه های نظامی انگلستان ودفع تحریکات سیاسی در مرز ها به نفع استعمارگران برتانیه وغیره.

لیکن باوجود علل عدیده سیاسی اسکان پشتون هادر شمال کشور عوامل جسدی اقتصادی دارد. نفوس فزاینده وزندگی دهقانی وکوچیانی پشتون ها احتیاج به مناطق حاصل خیز وچراگاه ها داشت.

آنان برای فروش محصولات عنعنوی خود به بازار های جدید محتاج بوده همچنان باشندگان بومی شمال به محصولات کوچیان (روغن، پشم، گوشت وغیره) احساس نیاز میکردند. ازین روی شمال برای دهقانان ومالداران (حیوان پروران) پشتون مساعد ترین بخش کشور بود. بخش اساسی ناقلین کارنده کار پشتون ندر مناطق خالی ازنفوس وزمین های مخروبه وکم حاصل وباطلاقها مسکن گزین میشدند وبا کار توان فرسا وشاقه آنرا به زمین های حاصل خیز ومسکون تبدیل میکردند.

زحمتکشان آنان از طرف خان های خود، زمینداران وتاجران خویش بیرحمانه استثمار میگردیدند. سرنوشت آنان باسرنوشت دیگر ملیت های رنجدیده شمال یکسان بود.

ازنظر همبستگی داخلی اتنیك خلقهای افغانستان با هم تفاوت عظیمی دارد که نتیجه تکامل غیر متوازن منطقوی کشور میباشد. آن سرزمینها وولایاتیکه در آنها مناسبات کالایی پولی رشد بیشتر داشت، در آنها سطح فشرده گی گروپهای اتنیك محلی نیزبالاتراست.

قسمت اعظم تاجیك ها به طور فشرده در شهر ها و نواحی نزدیك به آن موقعیت دارند. آنان دارای روابط نزدیك اقتصادی باهمدیگر بوده وصاحب فرهنگ کهن وزبان واحد میباشند. یا اینکه ساختار قبیلوی خود را خیلی قبل از دست داده اند. لیکن تفاوت های زیادی را از لحاظ محلات جداگانه زندگی حفظ کرده اند.

سطح فشرده گی خلق پشتون در دهه های اخیر رشد قابل ملاحظه نمود.

لیکن دربین پشتون های شهری ودهاتی، ساکنین شمال وغرب وهمچنان پشتون های ده نشین وکوچی تفاوت های واضح دیده میشود پشتون های شرقی وجنوب شرقی که باشندگان مناطق کوهستانی استند مشخصات جداگانه دارند. در تشکل اجتماعی آنان بسیاری از سازمان ها وعنعنات قبیلوی حفظ تیکه پشتون های شهری وناقلین در شمال آنرا ازدست داده اند، حفظ میگردد.

هزاره ها به مفهوم گروپ واحد اتنیك داخلی خلق متکامل تر هستند. ازبك ها، ترکمن ها، بلوچ ها، عرب ها، نورستانی ها وبرخی دیگر ملیت ها در سطوح پایانی فشرده گی اتنیك قرار دارند. مناطقیکه دران کثافت نفوس اقلیت های ملی بیشتر است ازلحاظ سطح تکامل اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی در تناسب با مناطق نسبتاً تکامل یافته محصولات زراعتی وصنعتی عقب مانده تراند.

فرهنگ زبان وعنعنات اقلیت های ملی قبل ازانقلاب ثور محکوم بمرگ تدریجی بود. تسلط اجتماعی ازجانب زمینداران، خانها وبیك های خودی برای زحمتکشان اقلیت ها با تسلط ملی از جانب بیروکراسی پشتون ـ تاجك وبورژوازی کالایی زراعتی تشدید می گردید واکثراً تبعیض مذهبی نیز وجود داشت.

عقب ماندگی اجتماعی ـ اقتصادی کشور، عدم توازن درتکامل مناطق مختلف وسیاست طبقات حاکم ستمگر سد راه ایجاد ملت بهم جوشیده افغان میگردید.

نماینده گان روشنفکر طبقات حاکمه عمداً مفهوم ((ملت افغان)) را از موضع منافع طبقه خود به صورت غیر علمی بیان میکردند. ارتباط پرابلم ملی باپرابلم اجتماعی را از نظر می انداختند وتبعیض ملی دربرابر اقلیت ها راپرده پوشی مینمودند. در قانون های اساسی ۱۹۶۴ و ۱۹۷۷ افغانستان گفته شده است: ((هرفردیکه در سر زمین افغانستان زندگی میکند افغان است. وهمه این افراد در مجموع ملت راتشکیل میدهند.)) آنان عمداً درتعریف ملت مفهوم تابعیت رابه جای مفهوم ملت به کار بردند وازموجودیت خلقها بامنافع وخصوصیات فرهنگی آنها چشم پوشیدند.

رژیم های فیودالی افغانستان به خاطر بقا ودوام سیطره خود اختلافات نژادی، مذهبی ولسانی میان مردم رابه حیث سلاح علیه توده های زحمتکش اهالی ونیروی جوان آنرکارگران و روشنفکران انقلابی) که دراثر رشد نسبی زیر بنا بوجود آمده بودند مورد سوء استفاده قرار میدادند.

در طول پنجاه سال سلطنت نادر، ظاهر و جمهوری قلابی داود هفده بارتوده های زحمتکش مردم درمحلات علیه اجحاف رژیم قیام کردند که به صورت خونین سرکوب گردیدند. در عده زیادی ازین عصیان ها دست نماینده گان طبقات حاکمه که در اعمال قدرت وغارت مردم با هم رقابت میکردند نیز داخل بوده است.

از اختلافات مذهب خصوصاً در مبارزه علیه آزادی خواهان و نیرو های مترقی استفاده میگردید. هر تشکل دموکراتیك که سر می افراشت لابد وبه صورت حتمی تکفیر وسرکوب میشد. درچنین فعالیت ها بیشتر روحانیون اشتراك میکردند که هنگام سلطه استعمار برتانوی از طریق هند به افغانستان وارد شده وباسر دمداران رژیم فیودالی افغانستان پیوند خویشاوندی وطبقاتی خودرا مستحکم کرده بودند مثال میدهیم: در سال ۱۹۷۰ جریده پرچم ارگان نشراتی حزب دموکراتیك خلق افغانستان به مناسبت صدمین سالگرد ولادت و.ای. لنین مقالاتی رابه نشر سپرد. روحانیون طبقات حاکم به تحریك امپریالیزم ایالات متحده امریکا (به خاطر انتقام کشی ازحزب ماکه علیه سفر سپیرو اگنیو معاون رئیس جمهور ایالات متحده امریکا بکابل، تظاهرات ونمایشات مخالفت را تنظیم کرده بود). به بهانه اینکه در جریده پرچم درودی نثار ولاد یمیر ایلیچ شده است و گویا درود گفتن به لنین جواز دینی ندارد. دست به تحریکات مذهبی زدند وکوشش کردند زمینه قتل عام کلیه روشنفکران انقلابی، دموکرات و آزادی خواه رافراهم آورند درخزان همین سال یکی از اعضای حزب دموکراتیك خلق افغانستان رادرمحضر عام درولایت لغمان سنگسار گردند.

همچنان آنان دربرابر رفع حجاب زنان مقاومت نشان دادند. به تراشیدن موهای زنان وپاشیدن تیزاب بر روی ایشان پرداختند. آنان میخواستند خلاف خواست مردم وقانون مندی تاریخ کشور رابه شرایط قرون وسطایی برگردانند. ازآن علناً علیه تعلیمات اکادمیك، سیستم مدرن تعلیم وتربیه، علیه گسترش هنر، موسیقی و کلتور معاصر به دشمنی می پرداختند. همین اکنون که انقلاب ثور مورد عتاب امپریالیزم قرار گرفته است همان روحانیون انگشت شمارمربوط بطبقات حاکمه در راس ضد انقلاب ودر تبانی بارتجاع منطقه وامپریالیزم جهانی قرار گرفته اند.

معروفترین آنان چون صبغت الله مجددی وسید احمد گیلانی اعضاء کثیرالعده فامیل خودرا به ایالات متحده امریکا فرستاده وخود برای ایفای نقش خائنانه در پاکستان اشیان گزیده اند. سیاست استفاده از مذهب ودامن زدن به اختلافات ملی علیه آزادی خواهان مادرطول زمان برای مردم افغانستان بیك اندوه ومصیبت بزرگ ملی تبدیل شده است. و هیچ وجه مشترکی باحمایت از اصول اساسی دین اسلام و عنعنات ملی مردم ما ندارد.

لازم است گفته شود که نیرو های مخاصم خارجی در راس امپریالیزم امریکا از پرابلم های ملی در جامعه افغانی به خاطر تامین منافع ازمندانه خود سوء استفاده کردند از جمله هژمونیست های چین گروه های ناسیونالیست سازشکار راتقویه کرد وسعی ورزید از طریق آنان نهضت انقلابی کشوررا صدمه زند. آنان همچنان گروه مائویستی شعله جاوید را برای تعمیل پلان های هژمونیستی خود استخدام کردند. شاهنشاه ایران وبعداً رهبر مذهبی موجود در ایران با استفاده از مذهب شیعه بخشی ازنفوس هزاره کشور را که وضع رقت بار اجتماعی و اقتصادی دارند به مقصد پخش تبلیغات زهر آگین ضد افغانستان تشویق کردند بر سرحدات جنوب وجنوب شرق کشور دستگاه های جاسوسی ایالات متحده امریکا، انگلستان والمان فدرال از طریق پاکستان بر قبایل پشتون اثر گذاشت. این دستبازی ها در دوران انقلاب به معیار های وسیع گسترش یافت وبه جنگ مسلحانه تحمیلی علیه مردم جمهوری دموکراتیك افغانستان تغییر کرد. هم اکنون که ایالات متحده امریکا منفعت خود رادروحدت گروه های ضد انقلاب که در آغاز برمبنای تعلقیت های ملیتی ومذهبی به صورت جداگانه ایجاد شده بودند می بیند، قادر نیست آثار جدایی عمیق میان گروه هارا که خود در تعمیق شگاف میان آنان کار کرده است، ازبین ببرد.

درسالهای زمامداری داود (۱۹۷۳ـ۱۹۷۸) نماینده گان برخی از گروه های ناسیونالیستی شمال به مبارزه مسلحانه علیه دولت مرکزی برخاستند ورژیم استبدادی داود نیز بنابر خصلت ستمگرانه خود بدون ایجاد تفاهم سیاسی به سرکوب خونین آنان دست زد.

انقلاب ثور حل دموکراتیك مسئله ملی را بپهلوی وظایف مبرم دیگر در صدر پروگرام خود جای داد. دولت انقلابی اصل تساوی ملی را اعلام کرد ودر ترکیب دولتی پشتون ها، تاجیك ها، هزاره ها، ازبك ها ودیگران راشامل نمود.

در اپریل ۱۹۸۰ اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان به تصویب رسید، دربن قانون سعی دولت درجهت متشکل ساختن زحمتکشان همه ملیت ها، اقوام وقبایل وازبین رفتن عدم توازن درسطوح تکامل مناطق مختلف وحفظ جهات مثبت وباارزش میراث فرهنگی افغانستان کثیرالمله منعکس گردیده است. برنامه عمل حزب دموکراتیك خلق افغانستان درباره تساوی ملی این وظیفه را مطرح نموده که نماینده گی خلق های مختلف کشور در ارگان های مرکزی ومحلی دولتی برمبنای عدالت و تساوی حقوق تامین گردد.

دربرنامه عمل گفته میشود: ((انقلاب ثور به خاطر ترقی همه جانبه وطن واحد ومشترك ما، به خاطر رفاه، سعادت وشگوفانی همه ملیت ها، اقوام وقبایل ساکن افغانستان به پیروزی رسید. دستاورد های انقلاب مربوط به همه وطنپرستان کشور صرف نظرازمحل تولد، تعلقات ملی، قومی وقبیله ای شان میباشد.))

در پاراگراف دیگربرنامه عمل قید شده است: ((تحقق سیستماتیك مشی اصولی درجهت افزایش فعالیت اجتماعی وسیاسی ملیت ها، اقوام وقبایل درارگانهای دولتی وحزبی، درجبهه ملی پدر وطن ودرسازمانهای اجتماعی توده یی هم درمرکز وهم در ولایات براساس شرکت عادلانه ومساوی آنه همه در وجود نماینده گان شایسته آنها درمناطقی که اکثریت باشند گان آنها مربوط به ملیت، قوم و قبیله معینی هستند سازمان های دولتی، اجتماعی وارگان های رهبری به طور لازم وشایسته ممثل نماینده گی آنها خواهند بود. در عین زمان حقوق مدنی ازملیت ها، اقوام وقبایلیکه در آن منطقه اقلیت راتشکیل میدهند تضمین ورعایت میگردد.

اتخاذ تدابیر اقتصادی و مالی جهت تامین مواد مورد ضرورت اولیه وتسهیلات برای فروش محصولات عنعنوی و استقرار نرخهای عادلانه برای آنها وغیره...))

دولت انقلابی در جهت عملی کردن پروگرام حزب دموکراتیك خلق افغانستان سیستم جرگه های قبایلی را احیاء کرد وبیش از هشتاد جرگه دایمی قبایلی راکه حیثیت شوراهای قبایلی رابخود گرفته است به کمك اهالی مرز نشین سازمان داد. سازمان یافتن وفعال شدن شورای مرکزی جرگه عالی قبایل و شورای مرکزی ملیت هزاره به هدف تامین حل پرابلم ملی تحقق یافته است. هم اکنون که این مقاله را مینویسم تقریباً در نیمهٔ از اکناف واطراف کشور انتخابات ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی انجام شده است. محلات کشور در طول تاریخ برای نخستین بار صلاحیت انتخاب رهبران خود را بدست آورده اند. درانتخابات رعایت ترکیب ملی و اجتماعی نماینده گان تأمین گردیده ومردم حاکم برسرنوشت خود شده اند.

انتخابات برای برگماری شوراهای محلی علنی، مستقیم ودموکراتیك میباشد مردم از طریق این شوراها و (شورای عالی) که در مقام شورای مرکزی خواهد بود در اداره کنترول دولت سهم میگیرند.

(ص٤)

برخورد با مسأله ملی در انقلاب افغانستان

(بقیه صفحه سوم)

اساس دموکراتیک قدرت در جمهوری دموکراتیک افغانستان را جبهه ملی پدر وطن تشکیل میدهد که در بنیاد آن تمام ملیت های کشور متناسباً جاگزین شده اند.

در پروگرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش بینی شده است که ازطریق ایجاد دولت ملی ودموکراتیک میتوان تضاد های ملی موجوده را به نفع طبقات فقیر حل نمود و بر اساس عدالت اجتماعی مناسبات اقتصادی وارگان های محلی اداره را ایجاد کرد و مسئله تکامل زبان های ملی را حل نمود. حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنین نتیجه‌گیری میکند که ریشه مسئله ملی در عرصه مناسبات اجتماعی اقتصادی نهفته است و حل این مسئله باید تابع وظایف مبارزه طبقاتی و رهایی اجتماعی زحمتکشان باشد.

دولت انقلابی تحت رهبری حزب تدابیر اجتماعی و اقتصادی مهم را اتخاذ کرد: دهقانان از بارسنگین قروض ملاکان و سودخواران آزاد شدند. زمین های مازاد از شش هکتار از ملاکان بزرگ مسترد گردید وبه دهقانان بی زمین توزیع گردید، کوپراتیف ها وصندوق های تعاونی تشکیل شد. مهر کمرشکن عروسی الغاءگردید. تساوی زن و مرد اعلام شد و تدابیر عملی آن باوصف مقاومت سرسخت ارتجاع تطبیق گردیدسازمان های اجتماعی تاسیس شد. برای انکشاف کلتور وفرهنگ در تمام عرصه ها زمینه مساعد فراهم گردید و برای رفع بیسوادی مبارزه وسیع ملی آغاز شد. لیکن تبارز گروه حفیظ الله امین که بر بنیاد یک توطئه سازمان داده شد قدرت حزب و دولت انقلابی را موقتاً غصب کرد. موجب انشعاب در حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید و زمینه یکبار دیگر برای امپریالیزم وارتجاع داخلی که تمام امید های خود را در انقلاب ثور از دست داده بودند مساعد شد.

سازمان های جاسوسی ایالات متحده امریکا ودستیارانش جنایات و فعالیت‌های ماجراجویانه این داردوسته را استقامت داد و آنرا در مقیاس وسیع جهانی به تبلیغ گرفتند. هزاران انسان وفادار به انقلاب تحت‌شعار ((کشور ما به نفوس زیاد احتیاج ندارد)) تیرباران شدند، ترور گردیدند و به زندان ها ئیکه بازگشت ازان ناممکن بود افگنده شدند. باکشتن و زندانی کردن رهبران حزبی و کشتن‌رفیق نور محمد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و نخستین رئیس شورای انقلابی. حفیظ الله امین یکه تاز میدان شد. وطوریکه خصوصیت چنین توطئه گران مستبد است خود را در محل قانون، وطن و مردم قرار داد و به ماجرا هائیکه تصورش نمیرفت دست زد. او خواست‌جریان قانونمندی انقلاب را تابع امیال و ذوق شخصی خود بسازد و به آن دستور دهد ازین رو در تطبیق ریفورم های اجتماعی، اقتصادی مرتکب لغزش های جبران ناپذیر گردید. او بدون آمادگی های لازمه ودرنظر گرفتن شرایط محلی، عنعنات ورسوم مذهبی از یک زینه به زینه دیگر می جهید ودر راه طی شده شیاری از آتش راباقی میگذاشت او با تحمیل انشعاب بر حزب چنین امکاناتی را برای مداخله امپریالیزم در انقلاب ثورو تحمیل جنگ ظالمانه برمردم افغانستان فراهم کرد که نیروهای ارتجاع داخلی و امپریالیزم هرگز قادر نمیشدند به گونه دیگری آنرا فراهم کنند. دنباله آتش و خونیکه زندگی هزاران افغان راگرفت وعواقب ناگواریکه هنوز امپریالیزم خونخوار امریکا ازان استفاده میکند مارك ثابت گروه امین را بر پیشانی خود دارد.

امین از زمان آغاز قدرتمندی خود با مسئله ملی خیانت کرد. او وردك ها (قبیله از پشتون ها) را مسلح ساخت و به جنگ علیه هزاره ها فرستاد. گرچه وردك ها آن سلاح را علیه خود امین بر گردانیدند وبا هزاره ها نه جنگیدند اما عواقب سلب اعتماد مردم بر جمهوری دموکراتیک افغانستان رابار آورد.

متاسفانه تا کنون که کنونست عده یی در جهان راجع به واقعیت رویداد ها عمق وماهیت آن در کشور ما معلومات درست ندارند. چنین هم دیده میشود که عده یی محدودی از سازمانها و محافلیکه خود را مترقی قلمداد میکنند در کشور های سرمایداری در مورد افغانستان تحت تاثیر تبلیغات ومنابع خبر رسانی امپریالیستی قرار دارند و قتیکه امریکایی ها برمرگ امین وزوال دکتاتوری سیاه هشدند به وگریه سر دادند درین محافل کسانی پیدا شد ند که به پاک کردن اشک های آنان پرداختند و حتی برورود قطعات محدود قانونی مسلح اتحاد شوروی که به خاطر دفاع از آزادی افغانستان و تامین امنیت سرحدات اتحاد شوروی باساس درخواست دولت قانونی ج.د.ا، به کشور ما فرستاده شدند عدم رضائیت خود را ابراز کردند و آب به آسیاب دشمن ریختند. رفیق م.س.گرباچف در گزارش سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. به ۲۷ مین کنگره ح.ک.ا.ش با منطق روشن و قوی فرستادن قطعات محدود را به ج.د.ا، چنین بیان کردند: ((طبعاً ما به گونه هر کشور دیگری به امنیت سرحدات خشکه و بحری خویش اهمیت بزرگی قایل می باشیم تعداد همسایگان ما زیاد بوده و متفاوت می باشد. ما نسبت به هیچیک آنها ادعای ارضی نداریم ما هیچکدام آنها را تهدید نمی کنیم. اما آنگونه که زنده گی بار ها تایید نموده شکارچیان زیادی اند که نمی خواهند با منافع ملی کشور ما و نه دول همسایه ما حساب نمایند و در تلاش آنند تا وضع در سرحدات اتحاد شوروی متشنج سازند.

به گونه مثال ضد انقلاب و امپریالیزم افغانستان را به زخم خونین مبدل ساخته اند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از مساعی این کشور در جهت دفاع از حاکمیت خویش حمایت می نماید. ما آرزو داریم تا در آینده خیلی نزدیک قطعات نظامی شوروی راکه به تقاضای حکومت افغانستان در آن کشور قرار دارند. به میهن باز گردانیم در مورد مواعد خروج مرحله به مرحله آنها به مجرد آنکه حل و فصل سیاسی اوضاع که متضمن قطع عملی مداخله مسلحانه از خارج در امور داخلی ج.د.ا، بوده و از عدم تکرار آن تضمین گردد، بدست آید. باجانب افغانستان موافقه به عمل آمده است. منفعت حیاتی و ملی ما در آنست تا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با همه دول همسرحد خویش مناسبات نیک و صلح آمیز داشته باشد. این مساله مهم ترین هدف سیاست خارجی ما را تشکیل میدهد ...))

در مرحله دوم انقلاب وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک ازسر گرفته شد در برشماری رسمی این وظایف گفته می شود:

((محو بقایای مناسبات فیودالی، ماقبل فیودالی، اجرای کامل اصلاحات ارضی ازطریق الغای زمینداری بزرگ فیودالی و توزیع زمین به دهقانان بی زمین و کم‌زمین وکارگران زراعتی، اعتلای سطح اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم، رشد فرهنگی ملی خلق های افغانستان و دموکراتیزه ساختن حیات سیاسی اجتماعی)). در اسناد دولتی همچنان گفته میشود: ((انقلاب ما در عین حالیکه خصلت ضد امپریالیستی دارد دارای خصلت ملی می باشد که خصوصیات احساسات عمیق مذهبی و سنن و عنعنات ملیت ها، اقوام و قبایل ساکن افغانستان را منعکس می سازد هدف انقلاب حزب و دولت عبارت است از حل مسایل مبرم رشد ملی در عمل وبه نفع توده های مردم، از بین بردن نابرابری های ملی که از گذشته به‌میراث مانده است)).

در ماده‌هفت‌اصول اساسی ج.د.ا، (قانون اساسی موقت) می خوانیم:

((جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست تساوی حقوق، دوستی برادرانه رشد همه جانبه تمام ملیت ها، اقوام و قبایل اعم از خورد و بزرگ ساکن در وطن واحد ما افغانستان را عملی ساخته به همبستگی زحمت کشان تمام ملیت ها، اقوام و قبایل کشور در مبارزه به منظور تحقق اهداف و آرمان های انقلاب ثور مساعدت کرده و حقوق قانونی ایشان را تأمین و تضمین می کند.))

در برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان می خوانیم:

((حل بنیادی مسئله ملی در کشور بر پایه برابری و برادری. بدون هیچ گونه تبعیض و امتیاز با درنظر داشت منافع خواست ها و حقوق ملی تمام ملیت ها اقوام و قبایل کشور، اعم از پشتون، تاجك، ازبك، هزاره، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره صورت می گیرد)).

حزب در مرحله نوین انقلاب ثور با پیش کشیدن چنین طرح های صریح انقلابی در مسایل ملی و تعقیب جدی آن در عمل انقلابی روز مره قادر شد پیاده شدن پلانها و مقاصد شوم امپریالیزم را که می خواست با دامن زدن به سازشکاری های قبیلوی و ناسیونالیزم اقلیت های رنج کشیده سابق، جامعه افغانی را متلاشی ساخته و بر گورستان متلاشی شده آن کاخ قدرت دشمنان خلق را استوار سازد جلو بگیرد.

سرنوشت جنگ علیه افغانستان انقلابی چون سرنوشت جنگ ها علیه خلق های ویتنام و کوبا از همان آغاز معلوم است. این جنگ ها فقط برافروزنده گان خود را محکوم به شکست میسازد. مردم افغانستان به خاطر آزادی انسان زحمتکش و پشتیبانی از داعیه عادلانه صلح در کره زمین و کشور خود وبه خاطر طرد جنگ و حمایت از فضایل انسانی قیام کرده است و تا پیروزی نهایی به پیش میرود.

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

گسترش جنگ روانی

جنگ روانی ورادیویی گسترده علیه نیکاراگوا براه انداخته شده است، این مطلب را روزنامه پراودا نگاشته می افزاید: ایالات متحده امریکا جنگ روانی را علیه نیکاراگوا مانند تجاوز مسلحانه توسط اجیران آن یعنی مخالفان حکومت نیکاراگوا، گستاخانه به پیش میبرد.

مخالفان حکومت نیکاراگوا فرستنده های موج کوتاه نیز در اختیار داشته سی.آی.ای و پنتاگون سخاوتمندانه دستگاه های رادیویی را بدسترس آنها قرار میدهد.

پراودا خاطرنشان میسازد، این صداهای رادیویی پیوسته روی نظامی ساختن رژیم ساندینست و با صطلاح‌تهدید از جانب کمونیست ها سخن میگویند یک‌دروغ، دروغ دیگر راموجب میشود.

سعی میشود جنگ اعلام ناشدهٔ واشنگتن علیه نیکاراگوا به مثابه جنگ داخلی معرفی شود.

با ینصورت است که مراکز رادیوهای تخریبی میکوشند مردم آنجا را بر ضد حکومت قانونی شان بر انگیزانند.

اما این صداها دربارهٔ پیروزی های نیکاراگوای آزاد کاملا خاموشی اختیار مینمایند.

باختر

بروز ۲۳ جولای ۱۹۸۶ تظاهرات بزرگی بخاطرمحکوم ساختن جنگ، که توسط امپریالیزم جهانی درین و یا درآن گوشهٔ جهان براه‌انداخته‌میشود در مسکو براه انداخته شد. عکس: گوشهٔ ازین‌تظاهرات رانشان میدهد. تاس-باختر- تیلی فوتو

باندها بجان هم

میان باند های ضد انقلاب که در مرز های ایران و پاکستان به قاچاق مواد مخدره مصروف اند بخاطر بدست آوردن راه های مواصلاتی‌قاچاقی‌اختلافات بروز نموده وباعث زدوخورد های شدیدی گردیده است.

گزارش های واصله به آژانس اطلاعاتی باختر میرسا ند که اخیراً درمنطقه تفتان نقطه سرحدی بین ایران و پاکستان میان گروپی از باند جنایتکار گلبدین و افراد باند جمعیت اسلامی تصادم شدیدی رخداده که در اثر آن شش تن از باند گلبدین وهشت تن از افراد باند جمعیت کشته شده اند. باختر

تمرینات تحریک آمیز نظامی

تمرینات بزرگ نظامی ایالات متحده امریکا شامل قطعات پیاده و قوای بحری، احتیاط و گارد ملی‌پریروز در جنوب کالیفورنیا آغاز گردید.

این تمرینات که بنام گالانت ایگل ۸۶، یاد میشود جمعاً در آن سی وپنج هزار عسکر اشتراك دارند و ده روز دوام مینماید.

نمایندهٔ قوماندانی مرکزی نیروهای مسلح امریکا اعتراف کرد که این بزرگترین تمریناتی بوده که توسط قوماندانی مرکزی براه انداخته شده است.

آژانس خبری ای.پی یاد آور شده که درین‌تمرینات میتودهای جنگ درصحرا در شرایط دقیق جنگ مورد آزمایش قرار خواهد گرفت.

بگزارش آژانس ای.پی.این وظیفه قوماندانی مرکزی بوده تا درین تمرینات آمادگی عساکری راکه به شرق میانه، شرق افریقا، جزیره نمای عرب و پاکستان اعزام میگردند مورد آزمایش قرار بگیرد.

باختر

تصادمات شدید

تصادمات میان بلوچها و دولت ایران در زاهدان روز به روز شدت بیشتری کسب مینماید.

گزارشهای واصله به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که اخیراً زدوخورد شدیدی میان نیروهای ژاندارمری دولتی وبلوچهای مسلح مخالف رژیم ارتجاعی اخندهای ایران در نزدیکی شهر زاهدان بوقوع‌پیوست که در اثر آن نه تن از مزدوران رژیم به‌قتل‌رسیدند. همچنان بلوچها پاسگاه پاسداران را در زاهدان مورد حمله مسلحانه قرار دادند که در این حمله پهره‌دار پاسگاه به قتل رسید.

طبق یک گزارش دیگر موج ناآرامی‌ها و حملات‌مسلحانه علیه افراد دولت مرتجع ایران در تمام شهر هاوسعت بیشتر کسب نموده است.

چنانچه دراین اواخررئیس زندانهای شهر تهران که یکی از اعضای برجسته وزارت امور داخله آنکشور میباشد در شهر تهران‌مورد حمله مسلحانه قرار گرفت که در نتیجه محافظ وی به قتل رسید.

باختر

اوجگیری جنبش ضد اپارتاید

تبصره ما

دراین اواخر اوضاع افریقای جنوبی نهایت متشنج و انفجاری شده است بخصوص این حالت بحرانی بعد از اعلام حالت اضطراری ۱۲ جون سال روان شدت بیشتر کسب نموده است. بعد از اعلام حالت فوق العاده در افریقای جنوبی در حدود پنج هزار نفر به قتل رسیده وکم از کم ده‌هزار نفر مفقود الاثر شده اند. اعلام حالت اضطراری از جانب مقامات نژاد پرست بهانه‌ای برای ورود عساکر رژیم منفور پریتوریا در قراء ومناطق سیاه پوست نشین شد، ولی پولیس وحشی قادر به تحت کنترول‌درآوردن توده های شورشی سیاه پوست نبود.

سردمداران قصر سفید این مدعیان دروغین حقوق بشر، در افریقای جنوبی همواره خلاف وعده های خود عمل کرده ومیکند.

ریگن طی سخنرانی اخیر خوددر کانگرس ایالات متحده با صراحت اعتراف نمود که «ما هیچ نوع تعزیرات را علیه رژیم افریقای‌جنوبی وضع نخواهیم کرد، زیرا این کشور دارای منابع سرشار الماس، پلاتین، طلا و یورانیم میباشد.» این رژیم است که مجتمع های نظامی ـ صنعتی امریکا را از ناحیه مواد خام یاری میرساند لهذا واشنگتن به سیاست و پشتیبانی از رژیم منحوس اپارتاید ادامه خواهد داد.

الن کرنستن سناتور امریکایی از حزب دموکرات در تلویزیون سی،بی، اس‌اعلام داشت که همکاری با رژیم نژاد پرست افریقای‌جنوبی نظیر همکاری با هیتلر و رایشتاگ آلمان میباشد.

امپریالیزم در طول تاریخ همواره منافع ستراتیژیکی و اقتصادی خود را بالاتر از حقوق بشر شمرده که این مطلب نه تنها به واشنگتن تعلق میگیرد بلکه نتایج باز دید وزیر خارجه انگلستان بحیث‌نماینده کشور های عضو بازار مشترك از افریقای جنوبی گویای روشن وصریح‌این ادعا است.

امروز ستراتیژی خلق های افریقای جنوبی را فقط مبارزه بخاطر آزادی کشور و محو سیستم اپارتاید تشکیل میدهد کلیه نیروهای مترقی جهان منجمله افغانستان از مبارزات دلیرانه مردم افریقای جنوبی جانبداری نموده‌ویگانه‌عامل‌موثرختم خونریزی را در افریقای جنوبی انفاذ تعزیرات همه جانبه اقتصادی نسبت به آن کشور و پایان بخشیدن به رژیم منحوس اپارتاید میدانند.

رخشانه نجیمی

پاکستان: عامل تشنج در منطقه

«تضمین» برای فعالیت های ضدانقلاب

محمد خان جونیجو رئیس حکومت نظامی پاکستان در ادامه سفرخود، برای انجام یك سلسله مذاکرات که بروشنی‌سمت‌های‌آن مشخص است، وارد فرانسه گردید و بازاك شیراك صدراعظم فرانسه دیدارو ملاقات‌نمود. دراین ملاقات بازهم‌اوضاع اطراف افغانستان وبخصوص افزایش ((کمك)) های به‌اصطلاح بشر دوستانه‌حکومت فرانسه به باند های اشرار افغانی مورد بحث قرار گرفت.

قبل از همه خط سیر سفر جاری محمدخان جونیجو جالب است. این همان مسیری است که در گذشته های نزدیك، سران باند های ضدانقلاب افغانی آنرا برای جمع آوری ((کمك)) بیشتر بیموده بودند. واکنون محمدخان جونیجودر اینمسیر پاگذاشته و بدین ترتیب میکوشد به اداره‌های کشور های شامل پروگرام سفر ((تضمین)) بدهد که سرمایه گذاری ها درزمینه پیشبرد جنگ اعلام‌ناشده علیه افغانستان به هدر نرفته، پاکستان با تبدیل تروریزم به سیاست رسمی دولتی خود، ازمنافع امپریالیزم جهانی در جنوب وجنوب‌غرب آسیا حمایت میکند.

هدف روشن‌دیگری نیز در پشت این سفر طولانی‌نهفته است و آن نقب گذاری دور جدید مذاکرات ژنیو میان افغانستان وپاکستان‌است که سه روز بعد یعنی بتاریخ ۳۰ جولای در ژنیو ازسرگرفته خواهد شد. انکشافات سفر، طرحهای عمداً غیر عملی درزمینه حل اوضاع اطراف افغانستان وزمینه سازی برای‌جلب((کمك))های بیشتر تسلیحاتی ومالی کشور های امپریالیستی به ضد انقلاب. نشانه‌های روشن این امر است.

برای نیل به یك صلح دوامدار در منطقه نه‌تسلیح بیشتر باند هابلکه حسن‌نیت، قطع مداخلات مسلحانه خارجی و تضمین های بین‌المللی برای عدم تکرار آن راه رابه رسیدن به صلح هموارتر می سازد.

دیدار بازاك شیراك بسیار زود نتایج خودرا به بارآورد. اخیراً حکومت فرانسه بدون در نظرداشت روابط دیپلماتیک با افغانستان، اعلام داشت که میخواهد سه صد هزار دالر رابرای ادامه قتل و کشتار در اختیار باند های ضدانقلاب افغانی‌بگذارد.

درگذشته نیز حکومت فرانسه در زیر پوشش سازمانهای نام‌نهاد دو صد میلیون فرانك فرانسوی‌را دراختیار باند ها گذاشته‌است.

پاریس نقطه پایان‌سفری است که ازترکیه آغازگردیدو تاکنون ((ثمرات))معینی رابه بار آورده‌است. این((ثمرات)) طوریکه تاکنون روشن‌بوده تنها تشنج ونا آرامی ها را در منطقه افزایش بخشیده صلح و امنیت خلقهای‌منطقه را مورد تهدید جدی قرارداده است.

شاهد

زدوخورد در لاهور

به حواله منابع خبری بین المللی در زد و خوردی که پریروز بین طرفداران پیپلز پارتی و پولیس پاکستان در جوار عمارت اسامبله پنجاب در لاهورصورت گرفت دوازده تن زخمی وسی تن بازداشت گردیدند.

این زدو خورد زمانی بوقوع پیوست که طرفداران شیخ رشید یکی از اعضای حزب مذکور وی را از میدان هوایی تا شهر بدرقه مینمودند.

باختر

تعقیب سیاست ضد پشتونها

دولت مستبد پاکستان‌به دستور باداران امپریالیستی اش سیاست ضد مردمی را در برابر پشتونها شدت بخشیده است.

گزارشهای رسیده به آژانس اطلاعاتی باختر حاکیست که دولت جنرالان خود کامه پاکستان اخیراً امتیاز فابریکه کاغذ سازی چارسده را به یکی از سرمایه داران بزرگ پنجابی داده و سرمایه دار مذکور تصمیم گرفته تا فابریکه را مسدود ساخته و ماشینهای آنرا به کراچی انتقال دهد و بدینترتیب صدها تن کارگر پشتون فابریکه را از کار که حق مشروع آنها است محروم سازد و بنیاد های صنعتی مناطق پشتون نشین را از بین ببرد.

گزارش می افزاید: همچنان رژیم ضیاء از ابتدای غصب قدرت تعداد زیاد روزنامه ها، جراید و مجلات را که به زبان پشتو نشرات‌داشتند مصادره نموده است.

روزنامه وحدت چاپ پشاور مینویسد که کمیته مقدماتی کنفرانس بین‌المللی پشتون که تحت‌رهبری احزاب مترقی ایجاد گردیده تصمیم گرفته تا جهت ارتقا و ترویج زبان و ادب پشتو و همچنان رشد فرهنگ و ادبیات پشتو یك کنفرانس بین المللی را دایر نماید.

کمیته به سلیم راز رئیس این کمیته اختیارات داده است که راه های عملی‌تدویر این کنفرانس را جستجو نموده هر چه زودتر اقدامات عملی را اتخاذ نماید.

باختر

تحت نظر هیأت تحریر — مدیر مسوول: صدیق کاوون
تیلفونها — مدیر مسوول: ۶۲۴۷۴ سوچبورد: ۶۱۰۴۲ ـ ۶۱۰۴۳ ـ ۶۱۰۴۴ ـ ۶۱۰۴۵ شعبه نامه‌ها: ۶۱۷۰۳ اداری: ۶۱۹۴۱ اطلاعات: ۶۱۱۱۸ شکایات وتوزیع: ۶۲۸۵۹
صندوق پستی: ۷۸۰ حساب بانکی: ۱۰۱۸ بر۹
چاپ‌ویپ آفسیت مطبعه دولتی
قیمت یکشماره «۲» افغانی